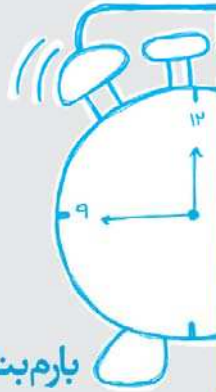


ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی زبان قرآن (۱) دهم از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

- ۱- **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:
 - الف) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.
 - ب) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.
- ۲- **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:
 - الف) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.
 - ب) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.
- ۳- **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.
- ۴- **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند. در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۱) نیاز دارید، تنها در ۱۸ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!



بارم‌بندی درس عربی زبان قرآن (۱)

نوبت اول	نوبت دوم	مهارت‌های زبانی
نمره ۲	نمره ۲	مهارت واژه‌شناسی
نمره ۷	نمره ۷	مهارت ترجمه به فارسی
نمره ۷/۵	نمره ۷/۵	مهارت شناخت و کاربرد قواعد
نمره ۲	نمره ۲	مهارت درک و فهم
نمره ۱/۵	نمره ۱/۵	مهارت مکالمه
نمره ۲۰	نمره ۲۰	جمع

فهرست



نوبت	آزمون پاسخ‌نامه	شماره صفحه
اول	۳	۳۷
اول	۶	۳۸
اول	۹	۳۹
اول	۱۲	۳۹
دوم	۱۵	۴۰
دوم	۱۸	۴۱
دوم	۲۱	۴۲
دوم	۲۴	۴۲
دوم	۲۷	۴۳
دوم	۳۰	۴۴
دوم	۳۲	۴۵
دوم	۳۵	۴۵
درس‌نامه توپ برای شب امتحان		
۴۷		

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	آزمون شماره ۱			ردیف
درس اول				
۰/۲۵	هر کلمه با کلمه دیگر ممکن است متفاوت باشد ولی متضاد نباشد، متضاد یعنی کلماتی که از نظر معنا قابل جمع نیستند، بنابراین به معنای واژگان توجه کنید تا مترادف و متضاد را بشناسید.	<input type="checkbox"/> أَنْزَلَ <input type="checkbox"/> أَصْعَدَ	<p>۱ عَيْنَ مَا طَلَبَ مِنْكَ. رَفَعَ (المتضاد):</p>	
۰/۵	<p>۲ للترجمة: وَ انظُرْ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ / انزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ</p>			
۰/۷۵	سعی کنید اگر جمله فعل دارد ابتدا بروید به سراغ فعل، و آن را از نظر نوع و هیفه بررسی کنید و به پاسخ درست برسید.	<p>۳ اِنْتَخَبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. الف) ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مُنْهَمِرَةٌ (۱) او تنها خداست که / نعمت خود را فرو می‌ریزد ب) «إِزْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مِنَ السَّمَاءِ» (۱) به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. (۲) به کسانی که در زمین هستند رحم کنید تا کسی که در آسمان است با شما مهربان باشد. ج) قَامَ أَخِي مِنَ التَّوَمِ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعًا. (۱) برادرم در ساعت شش و ربع از خواب برخاست. (۲) برادرم در ساعت یک ربع به شش از خواب برخاست.</p>		
۰/۲۵	<p>۴ إِمْلَأِ الْفَرَاغَ. یا آختی، ما مهنٲتک؟ مُمَرَّضَةٌ. (هی - اَنْتِ - اَنَا)</p>			
۰/۵	 <p>(ب)</p> <p>التاسعة إلا ربعاً</p>	 <p>(الف)</p> <p>الرابعة و الربع</p>	<p>۵ أَرْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَةِ.</p>	
درس دوم				
۰/۵	<p>۶ اِنْتَخَبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ. الف) الْأَعْرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ. (سه - سی - سیزده) ب) طُولُ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةُ أمتَارٍ. (هشت - شش - نه)</p>			
۱	<p>۷ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى. الف) <input type="checkbox"/> تَرَاخُمُ <input type="checkbox"/> تَبَاتَاتُ <input type="checkbox"/> طَيُورُ <input type="checkbox"/> أَشْجَارُ <input type="checkbox"/> تِهَانِمُ ب) <input type="checkbox"/> عِيمُ <input type="checkbox"/> مَطَرُ <input type="checkbox"/> ثَلْجُ <input type="checkbox"/> زَمِيلُ <input type="checkbox"/> سَمَاءُ ج) <input type="checkbox"/> مُتَخَفٌ <input type="checkbox"/> مُخْتَبِرٌ <input type="checkbox"/> مَكْتَبَةٌ <input type="checkbox"/> مُسْتَشْفَى <input type="checkbox"/> مُوَاطِنُ د) <input type="checkbox"/> مُسَجَّلٌ <input type="checkbox"/> بَنَى <input type="checkbox"/> أَجْرَى <input type="checkbox"/> غَرَسَ <input type="checkbox"/> أَخْلَصَ</p>			
۰/۲۵	<p>۸ عَيْنَ مَا طَلَبَ مِنْكَ. بَيْتَةَ (الجمع):</p>			
۲	تقریباً دو سوم پرسش‌های امتحان مربوط می‌شود به سؤالی‌های ترجمه، بنابراین هر کس ترجمه بیشتر می‌داند به دو سوم نمره یعنی حدود ۱۳ نزدیک‌تر است! یادتان باشد سعی کنید ترجمه واژگان را از خواندن جمله و متن یاد بگیرید و از حفظ کردن واژگان به تنهایی بپرهیزید.	<p>۹ للترجمة: الف) «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أمْثَالِهَا» ب) «كُلُوا جَمِيعاً وَ لَا تَفْرُقُوا فَإِنَّ الْبِرْكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ» ج) «وَ جَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ» د) «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي»</p>		

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
آزمون شماره ۱				
نمره	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم			ردیف
۰/۲۵	<p>انتخب الترجمة الصحيحة.</p> <p>﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ﴾</p> <p>(۱) خداوند نسبت به همه آن چه که در دل هایتان است می‌داند.</p> <p>(۲) و بدانید که خداوند آن چه را که در دل هایتان است می‌داند.</p>			۱۰
۰/۵	<p>كَمَلِ التَّرْجُمَةَ.</p> <p>قَامَ الْفَائِزُونَ بِاسْتِلامِ جَوَائِزِهِمْ.</p> <p>«برنده‌ها به جایزه‌هایشان»</p>			۱۱
۰/۲۵	<p>إِملأ الفراغ.</p> <p>لي عشرَ تمثالاً.</p> <p>(سِتْ - سِتَّةَ - سَادِس)</p>			۱۲
۱	<p>أَكْتُبْ عن العمليات الحسابية بالأرقام.</p> <p>(الف) سِتَّةَ في أَحَدَ عَشَرَ يُساوي سِتَّةَ و سَتِينَ.</p> <p>(ب) مِئَةٌ تقسيمٌ على أربعةٍ يُساوي خمسةً و عشرين.</p> <p>بهار عمل اعملی (شرب، تقسیم، منوا، به اضافه) را خوب در خاطر داشته باشید</p> <p>شرب (فی)، تقسیم، ناقص، زائد</p>			۱۳
۱	<p>ضَعْ في المربع العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة»</p> <p>(۱) الهاتِفُ <input type="checkbox"/></p> <p>(۲) البداية <input type="checkbox"/></p> <p>(۳) المستتعات <input type="checkbox"/></p> <p>(۴) النشاط <input type="checkbox"/></p> <p>(۵) سمك القرش <input type="checkbox"/></p> <p>مياهما ذات رانحة كريبه.</p> <p>عَدُوُّ الدَّلافين.</p> <p>آلَةٌ لِنَقْلِ الأصواتِ مِن مكانٍ إلى آخَرَ.</p> <p>القيامُ يعملُ يتحركُ و سرعة.</p>			۱۴
درس سوم				
۰/۲۵	<p>أَكْتُبْ ترجمة ما أشير إليه بخط.</p> <p>إِنَّ نَزولَ المَطَرِ و التَّلحُّجِ مِنَ السَّماءِ شيءٌ طَبِيعِيٌّ.</p>			۱۵
۰/۲۵	<p>عَيَّنْ ما طَلِبَ مِنْكَ.</p> <p>خَفَلَةٌ (المترادف):</p> <p><input type="checkbox"/> حجرة <input type="checkbox"/> المهرجان</p>			۱۶
۱/۵	<p>لِلترجمة:</p> <p>(الف) «فاسْتَعْفِرُوا لِلذُّنُوبِ و مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ»</p> <p>(ب) أَنْظُرْ إلى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.</p> <p>(ج) إِنَّ هَذَا الإِعصارَ يَسحبُ الأَسماكَ إلى السَّماءِ بِقوَّةٍ.</p>			۱۷
۰/۵	<p>كَمَلِ التَّرْجُمَةَ.</p> <p>يَحْتَفِلُ النَّاسُ في البِلادِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا.</p> <p>«مردم در این روز را سالانه»</p>			۱۸
۰/۲۵	<p>عَيَّنِ الجُملةَ الصَّحيحةَ و غيرالصَّحيحةَ حسب الواقع و الحقيقة.</p> <p>يَحْتَفِلُ الإِيرانِيُّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ القَمَريَّةِ.</p>			۱۹
۰/۲۵	<p>إِملأ الفراغ.</p> <p>رَجاءٌ جوازاتِكُمْ في أيديكم.</p> <p>(إِجْعَلُوا - جَعَلُوا - لا تَجْعَلْ)</p>			۲۰
۱	<p>إِنتخب للفراغ كلمة مناسبة.</p> <p>(الف) المصدر من «إِسْتَعْلَمَ»:</p> <p>(ب) التَّهْيِ من «تَتَعَلَّمُونَ»:</p> <p>(ج) المُستقبِل من «يَتَسَمَّان»:</p> <p>(د) الأَمْر من «تُغْسِلُنَ»:</p> <p>فعل‌های ثلاثی مزید و مصدر آن‌ها را به ترتیب یاد بگیرد (۱) ماضی، (۲) مضارع، (۳) امر، (۳) مصدر</p> <p><input type="checkbox"/> إعلام <input type="checkbox"/> استعلام</p> <p><input type="checkbox"/> لا تتعلمون <input type="checkbox"/> لا تتعلموا</p> <p><input type="checkbox"/> سوف يتسمان <input type="checkbox"/> سيبتسما</p> <p><input type="checkbox"/> اغسلوا <input type="checkbox"/> اغسلن</p>			۲۱

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	آزمون شماره ۱			ردیف
۲/۵	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم			
۲۲	<p>إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.</p> <p>«تَحَدَّثَ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً. فَيَلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَرَعْدًا وَبَرْقًا وَرِيحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبِيخِهَا وَتَنَاوُلُهَا.»</p> <p>الف) كَيْفَ تُصْبِحُ الْأَرْضُ؟</p> <p>ب) كَمْ مَرَّةً تَحَدَّثَ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ؟</p> <p>ج) مَاذَا يَأْخُذُ النَّاسُ؟</p> <p>د) مَاذَا يَلَاحِظُ النَّاسُ؟</p> <p>هـ) كَمْ فِعْلًا مُضَارِعًا فِي النَّصِّ؟</p>			
درس چهارم				
۰/۲۵	<p>أَكْتُبْ تَرْجُمَةَ مَا أُشِيرُ إِلَيْهِ بِخَطِّ.</p> <p>يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقِ فَهَوَّ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.</p>			۲۳
۰/۲۵	<p>عَيْنَ مَا طَلَبَ مِنْكَ.</p> <p>سَبَّ (بِالْفَارِسِيَّةِ):</p> <p><input type="checkbox"/> دشنام داد <input type="checkbox"/> رعایت کرد</p>			۲۴
۱	<p>لِلتَّرْجُمَةِ:</p> <p>الف) «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»</p> <p>ب) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.</p>			۲۵
۱	<p>كَمَلِ التَّرْجُمَةَ.</p> <p>الف) يُحَاوِلُ الْعَدُوُّ إِيجَادَ التَّفْرِيقِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.</p> <p>«دشمن که میان صفوف مسلمانان ایجاد کند.»</p> <p>ب) «أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ»</p> <p>«نیکی کن که خداوند نیکی کرده است.»</p>			۲۶
۰/۲۵	<p>عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْوَاقِعِ وَالْحَقِيقَةِ.</p> <p>كُلُّ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.</p>			۲۷
۰/۲۵	<p>إِمْلَأِ الْفَرَاغَ.</p> <p>«..... اتِّحَادَ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ.»</p> <p>(تتجلی - يتجلیون)</p>			۲۸
۱/۵	<p>أَكْتُبِ الْفِعْلَ وَالْمَصْدَرَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.</p> <p>الف) حَاوَلْتُ ← الْمَضَارِعُ: الْمَصْدَرُ: الْأَمْرُ: النَّقْيُ:</p> <p>ب) تَتَّقَا عُدَّ ← الْمَضَارِعُ: الْمَصْدَرُ: الْأَمْرُ: الْمُسْتَقْبَلُ:</p> <p>ج) قَبَّلَتْ ← الْمَضَارِعُ: الْمَصْدَرُ: النَّقْيُ:</p>			۲۹
۲۰	موفق باشید			جمع نمره

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به‌جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم			ردیف
آزمون شماره ۹				
۰/۵	مهارت واژه‌شناسی ۱. اُكْتُبْ ترجمة ما أُشير إليه بخطّ. الف) البَطُّ طائرٌ جَميلٌ. ب) أَلِمْ صَيِّدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ.			۱
۰/۵	۲. اِنتخب الصّحيح في التّرجمة للكلمات المعيّنة. الف) يَصْنَعُ الحَفَّاشُ وَكُنْه في جدارِ بيتٍ قديمٍ. (لانه - پرواز - بال) ب) أَذْهَبُ إلى مُوظَّفِ الاتّصالاتِ. (مدیر - کارگر - کارمند)			۲
۱	۳. عَيِّن ما طُلب منك. الف) شَرِيحَةٌ (بالفارسيّة): ب) أَرَادَ (المترادف): ج) عَدَاةٌ (المتضاد): د) أُحِبُّ (المفرد): سیم کارت <input type="checkbox"/> پیاده‌رو <input type="checkbox"/> شاه <input type="checkbox"/> سار <input type="checkbox"/> عشاء <input type="checkbox"/> عشية <input type="checkbox"/> حبيب <input type="checkbox"/> حبة <input type="checkbox"/>			۳
۱	۴. عَيِّن الكلمة الّتي لا تناسب الكلمات الأخرى. الف) إلى <input type="checkbox"/> في <input type="checkbox"/> ب) على <input type="checkbox"/> ثم <input type="checkbox"/> ج) فـ <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> د) و <input type="checkbox"/> فـ <input type="checkbox"/> آن <input type="checkbox"/> به <input type="checkbox"/> كـ <input type="checkbox"/> عن <input type="checkbox"/> لـ <input type="checkbox"/> في <input type="checkbox"/> ثم <input type="checkbox"/> إلى <input type="checkbox"/>			۴
۵	مهارت ترجمه به فارسی ۵. للترجمة: الف) «و إذا سَأَلْكَ عبادي عني فإني قريبٌ» ب) «فأولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون شيئاً» ج) «اقرأ و رُبُّكَ الأكرمُ الَّذي عَلَّمَ بالقلم» د) «عليكم بمكارم الأخلاق فإن ربي بعثني بها» هـ) من ذا الذي أوجدها / في الجوّ مثل الشّرة. و) عدّد التّرافيقين ستمّة: أنا و والدائي و أختائي و أخواني. ز) تدم أخي الصّغير من عمّله السيّئ و أنا عذرتّه. ح) إن لسان القِطِّ سلاحٌ طيّبٌ، لأنّه مملوءٌ بعَدَدٍ تفرّزُ سائلاً مطهراً. ط) رَفَضَها ذو القرنين و قال: عطاءُ اللّهِ خَيْرٌ مِنْ عطاءِ غيره. ي) قرأتُ في موسوعة علميّة أنّ العلماء يؤكّدون أنّ الدّلافين تستطيع أن تتكلّم.			۵
۱	۶. اِنتخب التّرجمة الصّحيحة. الف) نَظَرُ الوالدِ إلى والدِيهِ حُبّاً لهُما عبادةً. ۱) نگاه کردن فرزند به پدر و مادرش از روی عشق به آن‌ها عبادت است. ۲) نگاه کردن پدر و مادر به فرزند از روی عشق به او عبادت است. ب) حُسْنُ الأدبِ يَسْتَرُّ قَبِيحَ النّسبِ. ۱) ادب نیکو نسب بد را می‌پوشاند. ۲) تربیت نیکو تربیت بد را می‌پوشاند. ج) عَدَاوَةُ العاقلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الجاهلِ. ۱) دشمنی دانا از دوستی نادان بهتر است. ۲) دشمنی عاقلانه از دوستی احمقانه بهتر است. د) سَحَبَ الإِعصارُ الأَشْياءَ الصّغيرةَ إلى السّماءِ. ۱) گردباد چیزهای کوچک را به آسمان پرت کرد. ۲) گردباد چیزهای کوچک را به آسمان کشید.			۶

شعار	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	كلية رسته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۹		ردیف
۲			کَمَلِ التَّرْجِمَةَ. الف) رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ. «فانگهان مرا» ب) «اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي.» «خدایا نسبت به آن چه» ج) أُرِيدُ أَنْ أَشَاهِدَ فَلِمَا عِلْمِيًّا. «می خواهم که علمی» د) أَيُّهَا السَّائِقُ، تُرِيدُ أَنْ تَذْهَبَ إِلَى مَدِينَةِ كُوفَةَ. «ای می خواهی به شهر کوفه»	۷
۰/۵			عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِالصَّحِيحَةَ حَسَبِ الْوَاقِعِ وَالْحَقِيقَةِ. الف) يُصَنِّعُ الْخُبْزَ مِنَ الْعَجِينِ. ب) الْأَرَاثُ هُوَ الَّذِي مَا تَجَحَّ فِي الْأَمْتِحَانَاتِ.	۸
۱			مهارت شناخت و کاربرد قواعد إِمْلَأِ الْفَرَاغَ: الف) الماضي من «يُجَادِلُ»: ب) المصدر من «تَقَاعَدَ»: ج) النهي من «تَقَبَّلَ»: د) النهي من «يَتَعَامَلُونَ»:	۹
۲			جَدَلٌ - جَادِلٌ - جَادِلٌ تَقَعَّدَ - تَقَاعَدَ - قَعَادٌ لَا تُقَبَّلُنَ - لَا تُقَبَّلُونَ - مَا قَبَّلُوا لَا يَتَعَامَلُنَ - لَا يَتَعَامَلُوا - لَا يَتَعَامَلُونَ	
۰/۵			أَكْتُبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْفَرَاغِ. الف) تَعَلَّمُوا ← المضارع: ب) لَا تَجْتَمِعْ ← الماضي: ج) شَارَكَتْ ← المصدر: د) عَلَّمَ ← الماضي:	۱۰
۰/۵			عَيِّنِ فِعْلَ الْأَمْرِ وَالْفِعْلَانَ الْمَجْهُولَانَ وَالضَّمِيرَ الْمَتَّصِلَ فِي الْآيَتَيْنِ. الف) «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» ب) «أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»	۱۱
۱			عَيِّنِ الْخَطَأَ. الف) إِزْحَمُونِي ← فعل امر <input type="checkbox"/> ب) لَا تُحَيِّرْنِي ← فعل نهی <input type="checkbox"/> ج) أَنْوَفَ ← مذكر <input type="checkbox"/> د) الْكَافِرِينَ ← جمع سالم <input type="checkbox"/> فعل ماضی <input type="checkbox"/> جمع مذكر <input type="checkbox"/> فعل نفی <input type="checkbox"/> فعل مفرد <input type="checkbox"/> اسم مفعول <input type="checkbox"/> جمع مكسر <input type="checkbox"/> مذكر <input type="checkbox"/> جمع مكسر <input type="checkbox"/>	۱۲
۰/۵			أَكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْعَرَبِيَّةِ. الف)  (الف) ب)  (ب)	۱۳

شعار	kheilisabz.com	مدت آزمون: ٩٠ دقيقة	كلية رشتته ها به جز رشتة السانی	عربی زبان قرآن (١)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دورة متوسطه دوم		آزمون شماره ٩	
١			مهارت درک و فهم صَحَّ في المربع العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة»	١٤
٢/٥			<p>١) الوَكْرُ ٢) الهَجْرُ ٣) السَّمْسُ ٤) السَّوَارُ ٥) المَلِيحُ</p> <p>هو الذي له حركات جميلة و كلام جميل. زينته من الذهب في يد المرأة. بيت الطيور. ابتعاد الصديق عن صديقه أو الزوج عن زوجته.</p>	١٥
٢٠	جمع نمره	موفق باشيد		

پاسخنامه تشریحی

ازمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- رَفَعَ أَتَزَلُّ

۲- و به ابر بنگر پس چه کسی / از آن باران فرو فرستاد؟

۳- الف) گزینۀ (۲): ذَاكَ / أَنْ / أَنْعَمَ: نعمت‌ها / مُنْهَمَرَةٌ: ریزان

ب) گزینۀ (۱): اِرْحَمْ: فعل امر، رحم کن / مَنْ: کسی که، کسانی که / فِي الْأَرْضِ: در زمین /

يُرْحَمُ: تا رحم کند / لَقَدْ: به تو، با تو / فِي السَّمَاءِ: در آسمان

ج) گزینۀ (۲): قَامَ: برخاست / أَخِي: برادرم / مِنَ التَّوَمِ: از خواب / السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا: یک

ربع به شش

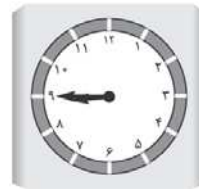
۴- ای خواهرم! شغل تو چیست؟ من (أنا) پرستارم.

پرسشی: در سؤال و جواب باید دقت کنید که اگر از مخاطب سؤال شود در پاسخ متکلم می‌آید.

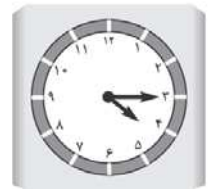
اگر از متکلم سؤال شود، در پاسخ مخاطب می‌آید. اگر از غایب سؤال شود، در پاسخ غایب می‌آید.

به عنوان مثال: شغل تو چیست؟ من پرستارم.

۵-



(ب)



(الف)

۶- الف) کلاغ سی سال یا بیشتر زندگی (عمر) می‌کند.

ب) بلندی قد زرافه شش متر است.

۷- الف) به یکدیگر مهربانی کردن / گیاهان / پرندگان / درختان / چارپایان

ب) ابر / باران / برف / هم کلاسی / آسمان

ج) موزه / آزمایشگاه / کتابخانه / بیمارستان / شهروند

د) دستگاه ضبط / ساخت / جاری کرد / کاشت / مخلص شد

۸- بَيْتَةٌ (اسم مفرد مؤنث)، بَيْتَاتٌ (جمع مؤنث سالم)

۹- الف) هر کسی کار نیک (را در قیامت) بیاورد برایش ده برابر آن هست. / جاء: آمد / جاء: بد: آورد

پرسشی: «مَنْ» اسم شرط است و بهتر است فعل جمله «جاء ب» مزارع ترجمه شود

(بیاورد) و جمله شرطیه نظر به حال و آینده دارد نه به گذشته.

ب) با همدیگر بخورید و پراکنده نشوید، زیرا که برکت با جماعت است. / كَلُّوا: فعل امر جمع

مذکر مخاطب، بخورید / لَا تَفْرَقُوا: فعل نهی جمع مذکر مخاطب، پراکنده نشوید / مع الجماعة:

با جماعت، همراه جماعت

ج) و برادران یوسف آمدند، پس بر او (یوسف) وارد شدند و او آن‌ها را شناخت.

پرسشی: جاء: آمد، در این جا «آمدند»، چون فاعل به صورت جمع به کار رفته «إخوة: برادران»

فعل نیز جمع ترجمه می‌شود «آمدند» / إخوة: جمع مکسر «أخ»، برادران / إخوة یوسف: برادران

یوسف، ترکیب اضافی / دَخَلُوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب، داخل شدند، وارد شدند / علیه: علی

+ ه، بر او / عَزَّوَجَدَ: شناخت / هُمُ: نقش مفعول را دارد، آن‌ها را

د) پروردگار! قطعاً من به خودم ستم کردم؛ پس مرا ببامرز.

پرسشی: رَبِّ: در اصل «یا ربی» بوده است، ای پروردگار من / إِنِّي: قطعاً من / ظَلَمْتُ:

فعل ماضی متکلم وحده، ستم کردم / نفسی: به خودم / ف: پس / اِنْفَرْتُ: فعل امر مفرد

مذکر مخاطب، ببامرز / لی: برای من

۱۰- گزینۀ (۲): اِعْلَمُوا: فعل امر جمع مذکر مخاطب، بدانید / أَنْ: که / يَعْلَمُ: فعل مضارع،

می‌داند / مَا: آنچه را که / فِي: در / اَنْفُسِكُمْ: دل‌هایتان

۱۱- برنده‌ها به دریافت جایزه‌هایشان اقدام کردند. / قام: ایستاد / قام به: اقدام کرد / استلام:

دریافت کردن

۱۲- من شانزده (سِتَّةَ عَشَرَ) تندیس دارم.

پرسشی: یکان عدد ۱۳ تا ۱۹ از نظر جنس، مخالف معدود است و «مثلاً» مذکر است؛

بنابراین یکان آن مؤنث می‌آید «سِتَّة».

۱۳- الف) $6 \times 11 = 66$

ب) $100 \div 4 = 25$

۱۴- الف) (۱) الِهَاتُ / آله لنقل الأصوات من مكان إلى آخر (تلفن)

(۲) البداية (آغازکردن) / این واژه اضافی است.

(۳) المُسْتَنْعَعَاتُ / مياهُها ذات رائحة كريهة (مرداب‌ها)

(۴) التَّشَاطُّ / القيامُ يعمل يتحرك و سرعة (فعالیت)

(۵) سمكُ القِرشِ / عَدُوُّ الدَّلَافِينِ (کوسه‌ماهی)

۱۵- قطعاً بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.

۱۶- الحفلة: المهرجان (جشن، جشنواره)

۱۷- الف) و برای (آمزش) گناهانشان استغفار کردند و جز خدا کیست که گناهان را ببخشد.

پرسشی: فعل «اِسْتَغْفَرُوا» ماضی و فعل «يَغْفِرُ» مضارع است و «مَنْ» از کلمات پرسشی

است: «چه کسی»

ب) به این تصویرها نگاه کن تا باور کنی. / صَدَقَ: راست گفت / صَدَّقَ: يُصَدِّقُ: باور کرد،

باور می‌کند

ج) قطعاً این گردباد با نیرویی، ماهی‌ها را به طرف آسمان می‌کشد.

۱۸- مردم در کشور این روز را سالانه جشن می‌گیرند.

۱۹- نادرست / القمرية ← الشمسية، ایرانی‌ها اولین روز از روزهای سال قمری را

جشن می‌گیرند.

۲۰- لطفاً گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید (اجعلوا).

پرسشی: با توجه به ضمیر «كُمُ» و کلمه «رجاء: لطفاً» فعل به صورت امر و مخاطب می‌آید.

۲۱- الف) اِسْتَعْلَمَ (ماضی) ← اِسْتِعْلَامُ (مصدر)

ب) تَتَعَلَّمُونَ (مضارع) ← لَا تَتَعَلَّمُوا (نهی)

ج) يَبْتَسِمَانِ (مضارع) ← سوف يبتسمان (مستقبل)

د) تَغْسِلُنَّ (مضارع) ← اِغْسِلُنَّ (امر)

۲۲- الف) زمین چگونه می‌شود؟ تصحَّ الْأَرْضُ مفروشةً بِالْأَسْمَاكِ.

ب) این پدیده چند بار اتفاق می‌افتد؟ تحدث هذه الظاهرة مرتين في السنة أحياناً.

ج) مردم چه می‌گیرند؟ يأخذ الناس الأسماك.

د) مردم چه ملاحظه می‌کنند؟ يلاحظ الناس غيمة سوداء عظيمة و ...

ه) چند فعل مضارع در متن وجود دارد؟ چهار فعل مضارع وجود دارد: تحدث، يلاحظ،

تصحَّ، يأخذ.

۲۳- به تفرقه و اختلاف دعوت می‌کند پس او مزدور دشمن است.

۲۴- سَبَّ: دشنام داد

۲۵- الف) و ما موسی را با نشانه‌هایی (از قدرت و حمایت) خود فرستاده‌ایم (و به او فرمان

دادیم که) قومت را از تاریکی‌های (جهل و ظلم و گمراهی) به سوی نور (ایمان و عدالت و

آرامش) بیرون بیاور.

پرسشی: در عبارت دو فعل وجود دارد:

فعل «لقد ارسلنا» ماضی نقلی است (قد + ماضی) و چون متعدی است مفعول می‌خواهد

«موسی» / «أَنْ أَخْرِجَ» که آن نیز متعدی است و مفعول دارد: «قوم».

ب) همه مردم باید یا یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. / علی ...: باید، ضروری است،

لازم است / كل الناس: همه مردم / تعایشاً سلمياً: زندگی مسالمت‌آمیز (سَلْمٌ: صلح، آرامش)

- ۲۶- الف) دشمن تلاش می‌کند که میان صف‌های مسلمانان ایجاد تفرقه کند.
 ب) نیکی کن، همان‌گونه که خداوند به تو نیکی کرده است.
- ۲۷- نادرست / ثَلْتُ ← حُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ ... (یک‌پنجم ساکنان جهان از مسلمانان هستند.)
- ۲۸- وحدت امت اسلامی در شکل‌های زیادی جلوه‌گر می‌شود (یتجلی).
نیرزسی چون فاعل «اتحاد» مذکر است، فعل مذکر و مفرد می‌آید «یتجلی».
- ۲۹- الف) مضارع: تُحَاوِلُ / مصدر: مُحَاوَلَةٌ / امر: حَاوِلْ / نفي: لَا تُحَاوِلْ
 ب) ماضی: تَقَاعَدَ / مصدر: تَقَاعَدُ / امر: تَقَاعِدْ / مستقبل: سَتَتَقَاعَدُ، سَوْفَ تَتَقَاعَدُ
 ج) امر: قَبِّلِي / مصدر: تَقْبِيلٌ / مضارع: تَقْبَلِينَ / نفي: لَا تَقْبَلِينَ

۵- الف) و زمانی که بندگانم درباره من از تو بپرسند قطعاً من (به آن‌ها) نزدیکم. / إذا: زمانی که / سَأَلْتُ: از تو پرسید، چون فعل ماضی بعد از «إذا» قرار گرفته است، مضارع ترجمه می‌شود «از تو بپرسند». / عبادی: بندگان من
 ب) پس آنان وارد بهشت می‌شوند و اصلاً مورد ظلم واقع نمی‌شوند. / أوْلئِكَ: آنان، اسم اشاره جمع برای دور / لا يُظْلَمُونَ: فعل مضارع منفی مجهول
 ج) بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است، همان که به وسیله قلم آموخت. / اقرأ: فعل امر، بخوان / رَبِّكَ الْأَكْرَمُ: ترکیب اضافی و وصفی، پروردگارت گرامی‌تر است / بالقلم: به وسیله قلم
 د) بر شماست پایبندی به صفات برتر اخلاقی، زیرا پروردگارت مرا به خاطر آن فرستاده است. / علیکم: بر شماست، شما باید / مکارم الأخلاق: کرامت‌های اخلاقی، صفات برتر اخلاقی / بها: به خاطر آن / بَعَثْتِي: مرا فرستاد
 ه) کیست این کسی که آن را به وجود آورد / در آسمان مانند یاره آتش / مَنْ: واژه پرسشی، چه کسی / ذَا: این / أَوْجَدَهَا: آن را ایجاد کرد / الشَّرَّةَ: یاره آتش
 و) تعداد همراهان شش‌تاست: من، پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم. / المُرافِقین: همراهان / والداي، در اصل (والدان + ی) بوده است. همین‌طور است «أختای» و «أخوای» که تون مثنای آن‌ها حذف شده است.

نکته: هرگاه اسم مثنی به اسمی اضافه شود، نون (ن) آن حذف می‌شود.

ز) برادر کوچکم از کار بدش پشیمان شد و من عذر او را پذیرفتم. / تَدِمَ: پشیمان شد / أخي الصَّغِير: ترکیب اضافی - وصفی، برادر کوچکم / عَمَلِهِ السَّيِّئ: ترکیب اضافی - وصفی، کار بدش / عَذَرْتُ: عذر پذیرفتم

ح) زبان گربه، اسلحه‌ای طبی است، زیرا پر از غده‌هایی است که مایعی ضدعفونی‌کننده ترشح می‌کند. / القِطُّ: گربه / مملوء: سرشار، پر / تُفْرِزُ: ترشح می‌کند / سائلاً مُطَهِّراً: ترکیب وصفی، مایعی پاک‌کننده (ضدعفونی‌کننده)

ط) ذوالقرنین آن‌ها را نپذیرفت و گفت: بخشش خداوند از بخشش دیگران بهتر است. / رَفَضَ: فعل ماضی متعدی، نپذیرفت / هَا: مفعول، آن‌ها را / ذوالقرنین: فاعل / عطاءُ اللَّهِ: ترکیب اضافی، بخشش خداوند / خَيْرٌ خَيْرٌ: خیر است.

ی) در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تأکید می‌کنند که دلفین‌ها می‌توانند صحبت کنند. / موسوعة علمية: ترکیب وصفی، دانشنامه علمی / يُؤكِّدون: تأکید می‌کنند

۶- الف) گزینه (۱): تَنْظُرُ الولد: ترکیب اضافی، نگاه فرزند / والدیه: پدر و مادرش / حَبَّأً به خاطر عشق. از روی عشق

ب) گزینه (۱): حَسَنُ الأدب: ترکیب اضافی، ادب خوب، ادب نیکو / یسْتَرُّ: می‌پوشاند / قُبْحُ النَّسَبِ: ترکیب اضافی، نسبت بد، نَسَبٌ بد

ج) گزینه (۱): عَدَاوة: دشمنی / صَدَاقَةٌ: دوستی

د) گزینه (۲): سَحَبٌ: کشید / الإِعْصَارُ: فاعل. گردباد / الأشياء الصَّغِيرَة: ترکیب وصفی، چیزهای کوچک

۷- الف) ناگهان چیزی مرا با نیرویی به طرف بالا بلند کرد.

ب) خدایا، به من سود برسان با آن‌چه به من آموختی.

ج) می‌خواهم که فیلمی علمی ببینم.

د) ای راننده، می‌خواهیم به شهر کوفه برویم.

۸- الف) نان از آرد درست می‌شود. (درست)

ب) مردود کسی است که در امتحانات موفق نشده است. (درست)

۹- الف) ماضی «يُجَادِلُ» ← جاذِل (در باب مفاعلة)

ب) مصدر «تَقَاعَدَ» ← تَقَاعَدُ (در باب تفاعل)

ج) نهی «تُتَبَلَّنُ» ← لا تُتَبَلَّنُ

د) نفی «يتعاملون» ← لا يتعاملون

۱۰- الف) مضارع: يتعلَّمون / مصدر: تعلَّم / ترجمه: یاد بگیرید

ب) ماضی: اجتمعت / نهی: لا تجتمع / امر: اجتمع

ج) مضارع: تُشارِكُ / مصدر: مشاركة / ترجمه: مشارکت کرد

د) ماضی: عَلَّمْتُ / مضارع: تَعَلَّم / نهی: لا تَعَلَّم

۱۱- أنصتوا (فعل امر باب إفعال) / خَلِقَ (فعل ماضی مجهول) / تَرَحَّمُونَ (فعل مضارع مجهول) / كُنْ (ضمير متصل)

۱۲- الف) إِرْحَمُونِي ← فعل ماضی نیست، بلکه فعل امر است.

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- الف) اردک، پرنده‌ای زیبا است.

ب) دانش، شکار است و نوشتن (آن) بند است.

۲- الف) خفاش لانه‌اش را در دیوار خانه‌ای قدیمی می‌سازد.

ب) پیش کارمند مخابرات می‌روم.

۳- الف) شریحه: سیم کارت

ب) آراد: شاة

ج) عَدَاةٌ ≠ عَشِيَّةٌ

د) أحيّة: مفرد آن ← حبيب

۴- الف) حرف جر / حرف جر / حرفی که پیش از مضارع می‌آید ✓ / حرف جر

ب) حرف جر / حرف عطف ✓ / حرف جر / حرف جر

ج) حرف عطف ✓ / حرف جر / حرف جر / حرف جر

د) حرف عطف / حرف عطف / حرف عطف / حرف جر ✓

نکته: حرف‌های «و، ف، ثم...» حروف عطف و حرف‌های «أَنْ، لَنْ» حروف ناصبه

(نصب‌دهنده) فعل مضارع و حرف‌های «فی، إلی، عَلَي، بِ، كَ، مِنْ، لِ» حروف جازه

(جَرِّدهنده) هستند.

نورسی: حرف جر پیش از اسم می‌آید و اسم را مجرور می‌سازد و حروف جر عبارت‌اند از:

«فی، إلی، عَلَي، مِنْ، عَن، بِ، لِ، كَ»

حروف عطف باعث ربط و اتصال دو کلمه «اسم و اسم» یا «فعل و فعل» می‌شود و عبارت‌اند از: وَ، فَ، ثُمَّ (سبب)

حرف «أَنْ» به معنی «که» پیش از فعل مضارع می‌آید و به مضارع التزامی تبدیل می‌کند:

یکتبُ: می‌نویسد (مضارع اخباری) ← أَنْ یکتبَ: که بنویسد (مضارع التزامی)

- ب) لا تُحَيِّرْتَنِي ← فعل نفي نیست، بلکه فعل نهی است.
- ج) أُنُوف ← اسم مفعول نیست، چون بر وزن «مفعول» و «مُد...سَعَه» نیامده است.
- د) الكافِرین ← جمع مکسر نیست، بلکه جمع مذکر سالم است. (الكافر + ین)
- ۱۳- الف) الثامنة و الرّبع (هشت و ربع)
- ب) الثانية عشرة و النّصف (دوازده و نیم)
- ۱۴- ۱) الوَكْرُ / بيت الطّیور (لانه)
- ۲) الهَجْرُ / ابتعادُ الصّدیقِ عَن صَدِيقِهِ أَوْ الرّوْحِ عَن زَوْجَتِهِ (جدایی، دوری)
- ۳) الشَّمْسُ (خورشید) / این واژه اضافی است.
- ۴) السّوَاوُ / زینةٌ مِنَ الدّهُبِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ (دستبند)
- ۵) المَلِیحُ / هو الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِیلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِیلٌ (بانمک)
- ۱۵- الف) دوست انسان در دریاها کیست؟ الدّلفینُ صَدِیقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ. (دلفین دوست انسان در دریاها است.)
- ب) شنوایی دلفین چه طور است؟ سَمِعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ. (شنوایی آن ده بار از شنوایی انسان بیشتر است.)
- ج) اعضای خانواده چه چیزی را می بینند؟ يُشَاهِدُ أَعْضَاءُ الْإِسْرَةِ فَلَماً رَائِعاً عَنِ الدّلفینِ. (اعضای خانواده فیلم جالبی در مورد دلفین می بینند.)
- د) وزن دلفین چه قدر است؟ وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزْنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِیباً. (وزن آن تقریباً به دو برابر وزن انسان می رسد.)
- ه) أَعْضَاءُ (فاعل)، الْإِسْرَةُ (مضاف‌الیه)، فَلَماً (مفعول)، رَائِعاً (صفت)

درس نامه توپ برای شب امتحان

د اسم اشاره: اسمی است که برای اشاره کردن به کار می‌رود و دارای دو نوع نزدیک (القريب) و دور (البعيد) است.

جمع	مثنی	مفرد		
هؤلاء	هذین - هذین	هذا	مذکر	إشارة للقريب (اشاره به نزدیک)
هؤلاء	هاتان - هاتین	هذه	مؤنث	
(این‌ها)	(این دو)	(این)	معنی	
أولئك	—	ذلك	مذکر	إشارة للبعيد (اشاره به دور)
أولئك	—	تلك	مؤنث	
(آن‌ها)	—	(آن)	معنی	

ه کلمات پرسشی

أ	هل	من	ما	أین	متی	کیف	کم	لم (لماذا)
آیا	آیا	چه کسی	چه چیزی	کجا	چه زمان	چگونه	چند، چه قدر	چرا

و اعداد: به دو گروه تقسیم می‌شوند:

1 اعداد اصلی: که بیانگر تعداد هستند.

2 اعداد ترتیبی: که بیانگر ترتیب و رتبه هستند (که در فارسی با پسوند «م» یا «مین» و در عربی بر وزن «الفاعل» یا «الفاعلة» به کار می‌روند).

اعداد اصلی، یک تا دوازده	
یک: واحد	هفت: سبعة
دو: إثنان	هشت: ثمانية
سه: ثلاثة	نه: تسعة
چهار: أربعة	ده: عشرة
پنج: خمسة	یازده: أحد عشر
شش: ستة	دوازده: اثنا عشر

اعداد ترتیبی، یکم تا دوازدهم	
یکم: الأول / الأولى	هفتم: السابع / السابعة
دوم: الثاني / الثانية	هشتم: الثامن / الثامنة
سوم: الثالث / الثالثة	نهم: التاسع / التاسعة
چهارم: الرابع / الرابعة	دهم: العاشر / العاشرة
پنجم: الخامس / الخامسة	یازدهم: الحادي عشر / الحادية عشرة
ششم: السادس / السادسة	دوازدهم: الثاني عشر / الثانية عشرة

درس اول: قواعد عربی هفتم، هشتم و نهم

الف علامت‌ها: فتحة - / كسرة - / ضمة - / تنوين - / ضم -

ب اسم از نظر عدد: در عربی هر اسمی بیانگر تعداد خاصی است که عبارت‌اند از: مفرد (یکی)، مثنی (دوتا) و جمع (بیشتر از دوتا).

نکته

1 علامت مثنی (ان - ین) هم برای مذکر و هم برای مؤنث استفاده می‌شود.

البته علامت مؤنث (ة) در مثنی تبدیل به «ت» می‌شود.

مثال: مدرّسة ← مدرّستان، مدرّستین

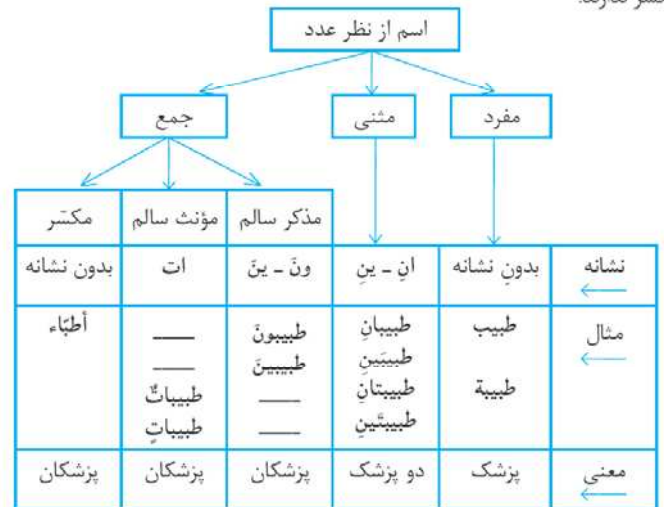
2 جمع سالم: جمعی است که روش ساختن آن، اضافه کردن نشانه جمع (ون - ین - ات) به انتهای اسم مفرد است.

مثال: عارف ← عارفون، عارفین / عارفة ← عارفات

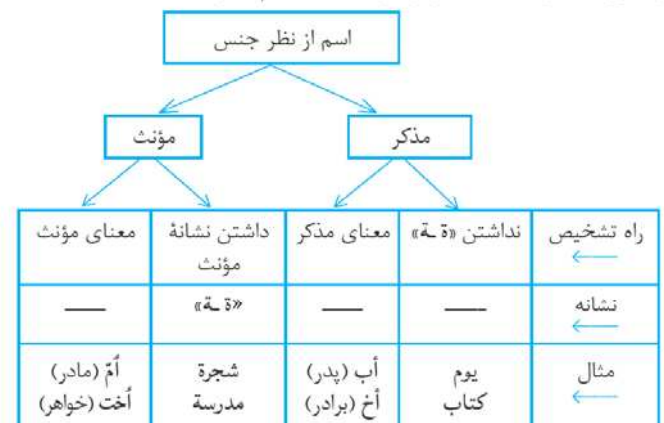
3 جمع مکسر: جمعی است که روش و نشانه خاصی ندارد و فقط براساس شنیده‌ها یاد گرفته می‌شود و در آن، شکل و نظم ظاهری اسم مفرد تغییر می‌کند.

مثال: عارف ← عرفاء

4 آیا همه اسم‌های مفرد، حتماً دارای جمع مکسر هستند؟ خیر، بعضی از اسم‌ها جمع مکسر ندارند.



ج اسم از نظر جنس: در عربی هر اسمی، یا مذکر محسوب می‌شود و یا مؤنث. البته دلیل مؤنث بودن در بعضی از اسم‌ها داشتن علامت مؤنث (ة) است (مانند: مزرعة) و در بعضی، داشتن معنای مخصوص مؤنث‌ها (مانند: أم: مادر).



فعل‌ها

ماضی	ذَخَلَ [وارد شد]
ماضی منفی ما + ماضی	ما ذَخَلَ [وارد نشد]
مضارع	يَذْخُلُ [وارد می‌شود]
مضارع منفی لا + مضارع	لا يَذْخُلُ [وارد نمی‌شود]
مستقبل (آینده) سَوْفَ / سَوْفَ + مضارع	سَوْفَ يَذْخُلُ [وارد خواهد شد] سَوْفَ يَذْخُلُ [وارد خواهد شد]
نهی لا + مضارع تغییر یافته	لا تَذْخُلُ [وارد نشو]
امر مضارع تغییر یافته با حذف «ت» و جایگزینی «ا»	اُدْخُلْ [وارد شو]

در ساختن امر و نهی، منظور از «مضارع تغییر یافته» چیست؟

برای ساختن فعل امر و نهی باید در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد کنیم، که شامل این موارد می‌شود:

۱) اگر در آخر فعل، ضمه (ـُ) داشتیم به سکون (ـَ) تبدیل کنیم.

مثال: تَجَلَّسَ ← لا تَجَلَّسْ

۲) «ن» را از آخر فعل، حذف کنیم به شرط این‌که قبلش یکی از سه حرف «و-ا-ی» باشد.

مثال: تَجَلَّسُوا - تَجَلَّسَانِ - تَجَلَّسِينَ ← لا تَجَلَّسُوا - لا تَجَلَّسَانِ - لا تَجَلَّسِينَ

۳) در جمع مؤنث حرف «ن» شرط گفته شده را ندارد، پس حذف نمی‌شود.

مثال: تَجَلَّسْنَ ← لا تَجَلَّسْنَ

تذکره: تفاوت «لا» در فعل نهی و نفی چیست؟ (تفاوت لای نهی و نفی) با به کار بردن «لا» در نهی باید انتهای فعل را تغییر دهیم (لا تَجَلَّسْ: ننشین). ولی با به کار بردن «لا» در نفی انتهای فعل هیچ تغییری نمی‌کند (لا تَجَلَّسْ: نمی‌نشینی).

بنابراین روش ساختن فعل نهی، لا (لای نهی) + مضارع تغییر یافته

روش ساختن فعل امر

فعل امر فقط از صیغه‌های دوم شخص مفرد و جمع در مضارع ساخته می‌شود البته با انجام سه مرحله:

۱) حذف «ت» از ابتدای فعل مضارع (دوم شخص)

۲) جایگزین کردن «ا» به جای حرف حذف شده «ت» البته به شرط این‌که حرف بعد از «ت» ساکن باشد (اگر ساکن نبود، نیازی به جایگزین کردن «ا» نیست). علامت «ا» به علامت حرف دوم ریشه بستگی دارد: اگر حرف دوم ریشه، ضمه داشت به «ا» ضمه می‌دهیم، اگر فتحه یا کسره داشت فقط کسره می‌دهیم: اُ - اَ - اِ ← اُ - اَ - اِ !

(علامت فتحه (أ - اَ) فقط در یک مورد خاص به کار می‌رود: درس چهارم باب افعال)

۳) انتهای فعل را به روش گفته شده تغییر می‌دهیم.

مثال:

- تَجَلَّسْ (می‌نشینی) ← امر → اِجْلَسْ (بنشین)
- تَجَلَّسِينَ (می‌نشینی) ← امر → اِجْلَسِي (بنشین)
- تَجَلَّسُوا (می‌نشینید) ← امر → اِجْلِسُوا (بنشینید)
- تَجَلَّسَانِ (می‌نشینید) ← امر → اِجْلَسَا (بنشینید)
- تَجَلَّسْنَ (می‌نشینید) ← امر → اِجْلَسْنَ (بنشینید)

ط: آشنایی با صیغه (شخص) و صرف فعل‌های ماضی و مضارع

در فارسی، فعل‌ها و ضمیرها برای شش شخص (شش حالت) به کار می‌رود. شخص در عربی، «صیغه» نامیده می‌شود.

فعل مضارع	فعل ماضی	ضمیر پیوسته	شخص یا صیغه در عربی	شخص یا صیغه در فارسی
أَفْعَلُ (انجام می‌دهم)	فَعَلْتُ (انجام دادم)	ي [م]	متكلم مفرد مذکر وحده	اول شخص مفرد (من) أنا
تَفَعَّلُ (انجام می‌دهی)	فَعَلْتُ (انجام دادی)	كَ [ت]	مخاطب مفرد مذکر	دوم شخص مفرد (تو) أنت
تَفَعَّلِينَ (انجام می‌دهی)	فَعَلْتِ (انجام دادی)	كَ [ت]	مفرد مؤنث	(تو) أنتِ
يَفْعَلُ (انجام می‌دهد)	فَعَلَ (انجام داد)	هـ / هـ [ش]	غائب مفرد مذکر	سوم شخص مفرد (او) هو
تَفَعَّلُ (انجام می‌دهد)	فَعَلْتُ (انجام داد)	هـا [ش]	مفرد مؤنث	(او) هي
تَفَعَّلُوا (انجام می‌دهیم)	فَعَلْنَا (انجام دادیم)	نا [مان]	متكلم مع الغیر	اول شخص جمع (ما) نحن
تَفَعَّلُونَ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُمْ (انجام دادید)	كُمْ [تان]	مخاطب جمع مذکر	دوم شخص جمع أنتم
تَفَعَّلْنَ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُنَّ (انجام دادید)	كنَّ [تان]	جمع مؤنث	(شما) أنتنَّ
تَفَعَّلَانِ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُمَا (انجام دادید)	كُما [تان]	مثنی مذکر مثنی مؤنث	أنتما أنتما
يَفْعَلُونَ (انجام می‌دهند)	فَعَلُوا (انجام دادند)	هُم [شان]	غائب جمع مذکر	سوم شخص جمع هُم
يَفْعَلْنَ (انجام می‌دهند)	فَعَلْنَ (انجام دادند)	هُنَّ [شان]	جمع مؤنث	هُنَّ (ان‌ها)
يَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	فَعَلَا (انجام دادند)	هُمَا [شان]	مثنی مذکر	هُمَا
تَفَعَّلَانِ (انجام می‌دهند)	فَعَلْنَا (انجام دادند)	هُمَا [شان]	مثنی مؤنث	هُمَا

ک: فعل ماضی استمراری

هرگاه یکی از فعل‌های خانواده «کان» (کان - کانا - کانوا - کانت - کانتا و ...) کمی قبل‌تر از یک فعل مضارع بیاید، این دو فعل را در فارسی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم.

مثال: كان الطلاب يذهبون: دانش‌آموزان می‌رفتند.

البتان كانتا تكتبان: دو دختر، می‌نوشتند.

كانوا يكتبون: می‌نوشتند. [التمرین الرابع (صفحة ۷ کتاب درسی)]

ک: حروف اصلی / وزن

سه حرف اصلی کلمات را «ریشه» می‌نامیم. مانند ریشه «دخ ل» در «أدخل، تدخل، دخيل، مُدخاله». با جایگزین کردن سه حرف «ف ع ل» به جای ریشه کلمات می‌توانیم وزن آن‌ها را به دست آوریم (وزن، همان آهنگ و ریتم کلمه است).

مثال: أُخْرِجُ بر وزن أَفْعَلُ / جَمِيلٌ بر وزن فَعِيلٌ.

تذکر در مورد وزن «فاعِل» و «مفعول»:

○ وزن «فاعل» بیانگر «انجام‌دهنده یا دارنده حالت» است.

مثال: «خالق» آفریننده و «عالم» دانا

○ وزن «مفعول» بیانگر «انجام‌شده» است.

مثال: «مخلوق» آفریده‌شده و «معلوم» دانسته‌شده»

ل) ترکیب وصفی (موصوف و صفت)

در عربی معمولاً اگر دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و هر دو «ال» داشته باشند و یا هر دو بدون «ال» باشند و علامت انتهای هر دو، یکسان باشد، موصوف و صفت به حساب می‌آیند.

مثال: الدرس السهل الطالب شجاعاً

موصوف صفت موصوف صفت

[درس آسان] [دانش‌آموزی شجاع]

م) ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)

در عربی هرگاه دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و اسم اول، «ال» و تنوین نداشته باشد و اسم دوم «ال» یا تنوین داشته باشد، معمولاً مضاف و مضاف‌الیه به حساب می‌آیند.

مثال: درس التلمیذ طالب مدرسة

مضاف مضاف‌الیه مضاف مضاف‌الیه

[درس دانش‌آموز] [دانش‌آموز مدرسه‌ای]

ن) ترکیب سه‌کلمه‌ای (اسم + ضمیر متصل + اسم «ال» دار)

در این نوع ترکیب سه‌کلمه‌ای، ضمیر را بعد از اسم «ال» دار (کلمه سوم) ترجمه می‌کنیم.

مثال: كتابك المفيد: كتاب مفيد تو / ربي العظيم: پروردگار بزرگ من

س) بیان ساعت

در عربی برای بیان ساعت به ترتیب زیر عمل می‌کنیم:

ساعت کامل ← اعداد ترتیبی بر وزن «الفاعلة»

نیم ← «النصف» ربع ← «الرابع»

یک ربع مانده به ... ← «إلاربعا»

مثال: ساعت هفت: الساعة السابعة

هفت و نیم: السابعة والنصف

یک ربع مانده به هفت: السابعة إلاربعا

ع) یادآوری رنگ‌ها (الألوان)

أخضر (سبز) / أحمر (سرخ) / أزرق (آبی) / أصفر (زرد) / أبيض (سفید) / أسود (سیاه) /

تبنفسجي (بنفش)

ف) یادآوری روزهای هفته (أيام الأسبوع)

السبت (شنبه) / الأحد (یکشنبه) / الإثنين (دوشنبه) / الثلاثاء (سه‌شنبه) / الأربعاء

(چهارشنبه) / الخميس (پنج‌شنبه) / الجمعة (جمعه)

ص) وعده‌های غذایی

الطُور: صبحانه / الغداء: ناهار / العشاء: شام

کلمات و عبارات مهم

فعل‌ها

نَمَتْ: رشد کرد
 إِبْحَثْ: جست‌وجو کن
 أُوجِدْ: پدید آورد
 زانَ: زینت داد
 قُلْ: بگو
 يَدْرُ: می‌چرخد
 صارتْ: شد، گردید
 يُخْرِجْ: درمی‌آورد
 أَنْزَلَ: نازل کرد
 جَهَّزْ: مجهز کرد
 كَمَّلْ: کامل کن

سایر کلمات و عبارات

جذوة: پاره آتش
 حبة: دانه
 ضياء: روشنی
 شجرة: اخگر (پاره آتش)
 ذات: دارای
 مستعرة: فروزان

بالغ: کامل

القيم: ابر

مراجعة: دوره‌کردن

ذو: دارای

ذا: این (هذا)

النضرة: تروتازه

العصون: شاخه‌ها (جمع عُصن)

الفسان: لباس زنانه

أنعم: نعمت‌ها (جمع نعمة)

مستعيناً: به کمک

ذُرر: مرواریدها (جمع ذر)

ذات العُصون النضرة: دارای شاخه‌های تروتازه

زانهُ بأنجم: آن را با ستارگانی زینت داد.

أنعمهُ مُنعمرة: نعمت‌هایش، ریزان است.

قدرة مقتدرة: قدرتی توانا

كالدُرر المنتشرة: مانند مرواریدهای پراکنده

جعلَ الظلمات والنور: تاریکی‌ها و روشنی را قرار داد.

کلمات حوار (گفت‌وگو)

أحد الموظفين: یکی از کارمندان

قاعة المطار: سالن فرودگاه

مع الأسف: متأسفانه

أنا أسافر: که سفر کنم

التعارف: آشنایی با یکدیگر

مترادف

أوجَد = خَلَقَ	نام = رَقَدَ
پدید آورد = آفرید	خوابید = خوابید
النضرة = الطازج	جذوة = شرة
تروتازه = تازه	پاره آتش = پاره آتش
ضياء = نور	بالغ = کامل
روشنی = نور	کامل = کامل
القيم = السحاب	مُجِدَّ = مُجتهد
ابر = ابر	تلاشگر = تلاشگر
كوكب = نجم	
ستاره = ستاره	

متضاد

يمين = يسار	نهایه = پدایه
راست = چپ	پایان = آغاز
مسموح = ممنوع	مسرور = حزین
مجاز = ممنوع، غیرمجاز	شاد = غمگین
جميل = قبيح	السماء = الأرض
زیبا = زشت	آسمان = زمین
ناجح = راسب	الليل = النهار
قبول = مردود	شب = روز
الظلمة = النور	الدنيا = الآخرة
تاریکی = روشنی	دنیا = آخرت
قريب = بعيد	غالية = رخيصة
نزدیک = دور	گران = ارزان
قليل = كثير	عدو = صديق
کم = زیاد	دشمن = دوست
شراء = بيع	
خریدن = فروختن	